

## آسیب‌شناسی روابط خارج از عرف دختران

ابوالفضل ذوالفقاری\* ، اکرم رضانی\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۲۳

### چکیده

هدف اصلی این مقاله، مطالعه جامعه شناختی روابط خارج از عرف در میان گروهی از دختران است. از آن جایی که در جامعه ایران، رابطه جنسی فقط در قالب زوجیت مشروع شمرده می‌شود، این مقاله کوشیده است تا انگیزه دختران از برقراری روابط غیرمتعارف، نگرش آن‌ها نسبت به این گونه روابط، پیامدهای روابط غیرمتعارف و عواملی که به زعم دختران مورد مطالعه در بروز این پدیده موثر است را درک کند. روش شناسی پژوهش، کیفی است. داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه منظم، گردآوری شده است. همچنین براساس نمونه‌گیری گلوله برفی و با استفاده از معیار اشباع نظری، بیست و یک نفر از دخترانی که روابط غیرمتعارف را تجربه کرده بودند و در شهر تهران زندگی می‌کردند، در این مطالعه شرکت کردند.

zolfaghariab@gmail.com

ramezani121@chmail.com

\* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد.

\*\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی.

جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. یافته‌های به دست آمده با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای شامل مقولات عمده و یک مقوله هسته با عنوان "بازاندیشی در تعاملات جنسی" می‌باشد. این مطالعه نشان می‌دهد که بخشی از دختران مورد مطالعه، در مورد روابط بین دو جنس بازنگری کرده‌اند و برخلاف آموزه‌های اجتماعی، مذهبی و فرهنگی، روابط جنسی که خارج از چارچوب زناشویی صورت می‌گیرد را مجاز تلقی کرده‌اند و بخش دیگری از دختران رابطه غیرمتعارف را در صورتی درست می‌دانند که در بستر رابطه عاشقانه معطوف به ازدواج رخ می‌دهد. بر اساس نتایج پژوهش نیز پیشنهاداتی نظیر ایجاد فضای مناسب همسرگزینی، غنی‌سازی محتوای برنامه‌های رسانه‌های داخلی به منظور پیشگیری از تاثیر رسانه‌های بیگانه در تغییر نگرش دختران نسبت به روابط غیرمتعارف ارائه شده است.

**واژه‌های کلیدی:** تجربه زیسته دختران، روابط آزاد جنسی، نظریه مبنایی، بازاندیشی.

## طرح مساله

وضعیت رفتار جنسی در فرهنگ‌های مختلف بسیار متنوع و تغییر پذیرند؛ در فرهنگ‌های مختلف نسبت به رفتار جنسی نگرش‌های متنوع، عجیب و باورنکردنی وجود دارد. در بعضی از فرهنگ‌ها، سکس به عنوان رفتاری خوشایند، در بعضی دیگر به عنوان رفتاری بی‌ضرر و در مواردی نیز به عنوان رفتاری بالقوه خطرناک دیده می‌شود. در کل، هر جامعه‌ای با توجه به شرایط خود، رفتار اعضایش را قاعده‌مند می‌کند. رفتار جنسی از جمله اولین رفتارهایی است که بشر از دیرباز به‌هنجارمند کردن آن پرداخته است و به جرات می‌توان گفت جامعه‌ای نیست که فعالیت جنسی اعضای خود را به‌نظم نکشیده باشد (کریمی، ۱۳۸۲: ۱).

اما، سازماندهی کردن زندگی جنسی افراد در جوامع مختلف به صورت‌های متفاوتی انجام می‌شود. تفاوت نگرشی نسبت به رفتار جنسی از تفاوت‌های موجود در ملاک‌های فرهنگی، شاخص‌های مذهبی و اجتماعی در جوامع مختلف نشأت می‌گیرد. در برخی از کشورها به مانند آلمان، اتریش و مالزی، آزادی جنسی تا آنجا وجود داشته که زن و مرد حق دارند در انظار مردم دست به برقراری سطوحی از روابط جنسی بزنند، بدون آن که از طرف جامعه و یا قانون مجازات شده و یا برچسب بخورند. در عوض، در برخی کشورها مانند عربستان، روابط جنسی بین مرد و زن (بدون مجوز شرعی) حتی در خفا، جرم محسوب شده و شدیدترین مجازات‌ها را در پی دارد. در کانادا، روابط جنسی بین زن و مرد آزاد اما فاحشه‌گری ممنوع بوده و جرم محسوب می‌شود، چرا که تلقی می‌شود ارزش انسان (زن) بیش از آن است که با پول خریداری شود. در فرانسه و بخش‌هایی از ایالات متحده آمریکا، زنان تن فروش در ساعاتی معین و در محله‌هایی که از طرف دولت تعیین شده حق فعالیت داشته و حضور آنها در طول ساعات اداری و در ملاء عام جرم به حساب می‌آید (ذکایی، ۱۳۸۴: ۲).

در ایران نیز، براساس چارچوب‌های ارزشی و قانونی؛ رابطه جنسی فقط در قالب زوجیت مجاز می‌باشد. با وجود تفاوت نگرشی جوامع مختلف نسبت به سازماندهی کردن رفتار جنسی؛ نکته‌ای که بین آنها مشترک است تغییر در نوع نگرش نسبت به رفتار جنسی است. کیلمن<sup>۱</sup> (۱۹۸۳) معتقد است که در امریکا، نسبت نوجوانانی که رابطه جنسی برقرار می‌کنند به نسبت قابل توجهی، به خصوص در بیست سال اخیر، افزایش پیدا کرده است. میلر و سیمون<sup>۲</sup> (۱۹۸۰) از کاهش سن برقراری اولین تماس جنسی خبر داده است.

---

۱. Kilmman

۲. Miller & Simon

بانک غنی اطلاعات دانشگاه شیگاهو نیز، وجود جریان‌هایی را آشکار می‌سازد که به سوی خودآیینی فزاینده بروز میل جنسی سیر می‌کنند، به خصوص در میان گروه‌های سنی جوان‌تر. مثلاً طی چهار دهه گذشته، سن اولین مقاربت قانونی کاهش یافته است و به رغم خطر ایدز، جوانان زیر بیست سال بیش از پیش از نظر جنسی فعال بوده‌اند. دوم این که زندگی مشترک پیش از ازدواج به یک قاعده تبدیل شده است و امری استثنایی نیست. بزرگسالان نیز، به طور فزاینده‌ای میل به برقراری رابطه جنسی بیرون از چارچوب ازدواج دارند (کاستلز، ۱۳۸۰:۲۸۵).

میزان دگرگونی‌های نگرشی به مسائل جنسی در ایران روشن نیست، اما نیاز جنسی در ایران نیز مانند سایر کشورها وجود داشته و شاید به دلیل جوان بودن جامعه ایرانی از یک سو و افزایش سن ازدواج از سوی دیگر، بیش از پیش نمود یافته باشد. این که در جامعه ما نیز همسو با دیگر جوامع، ارزش‌ها و به تبع آن ارزش‌های جنسی دستخوش تغییرات شده نکته پنهانی نیست. تاثیر رسانه‌ها، ماهواره، کاهش نرخ ازدواج و افزایش آمار طلاق همگی موجب شده است تا به ارضاء نیاز جنسی به گونه‌ای متفاوت‌تر از گذشته نگریسته شود (ذکایی، ۱۳۸۴:۳). نتایج برخی از تحقیقات در ایران نشان داده است که؛ روابط جنسی قبل از ازدواج در بین دانشجویان از ۸ درصد (صبور پارسا، ۱۳۸۴) تا ۱۲ درصد (سیمبر، ۱۳۸۲) متغیر است. همچنین، بین ۱۲/۸ درصد تا ۲۸ درصد نوجوانان گزارش کرده‌اند که رابطه جنسی قبل از ازدواج داشته‌اند (محمد، ۱۹۹۶؛ محمد و همکاران، ۲۰۰۷). گرچه جزئیات بیشتر در مورد روابط جنسی آنان در این مطالعات مشخص نشده است، شواهد اخیر بیانگر میزان قابل شیوع روابط با جنس مخالف در بین جوانان ایرانی می‌باشد (به نقل از فراهانی و مهریار، ۱۳۸۹:۴۵۲).

بدیهی است که روابط آزاد جنسی در جامعه ما، نه تنها با ارزش‌های فرهنگی و دینی در تضاد بوده و یک نوع ناهنجاری به شمار می‌رود بلکه با توجه به تجربیات غرب و روندهای اجتماعی که از قبال رواج چنین معاشرت‌هایی در آن جوامع پدید آمده است به نظر می‌رسد، ظهور این پدیده در جامعه ما تاثیرات ساختی را بر بسیاری

از نهادهای اجتماعی می‌گذارد و می‌تواند به مرور، نهاد ازدواج و خانواده را با چالش‌هایی مواجه نماید (Feiring & Forman, ۲۰۰۰: ۲۹۵) به نقل از عباسی شوازی، (۱۸:۱۳۸۴). علاوه بر مسائل و ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی که از روابط آزاد جنسی ناشی می‌شود می‌توان گفت، رفتار جنسی جزئی از تعامل انسانی است و به هنجارهای اجتماعی، نگرش‌ها و فرآیندهای اساسی یادگیری ما بستگی دارد. رفتار و نگرش جوانان در این زمینه می‌تواند انعکاس دهنده نگرش آن‌ها در جنبه‌های دیگر نیز باشد. از این رو، در پژوهش حاضر، در پی پاسخگویی به این سوالات هستیم که انگیزه دختران از ورود به روابط آزاد جنسی چیست؟ نگرش آن‌ها نسبت به این گونه روابط چگونه است و پیامدهای چنین روابطی، به زعم مصاحبه شونده‌ها چه می‌باشد؟

#### ۱- پیشینه مطالعاتی

۱-۱- مطالعات داخلی: از جمله مطالعاتی که در رابطه با روابط آزاد جنسی و ارتباط آن با دیگر ابعاد اجتماعی در داخل کشور انجام شده است می‌توان به مواردی اشاره کرد؛ ذکایی و همکاران (۱۳۸۴)، در زمینه روابط آزاد جنسی جوانان شهر تهران به مطالعه پرداخته‌اند. در این پژوهش به بررسی نگرش جوانان به مسائل جنسی، میزان آزادی در انتخاب دوستان جنس مخالف، سبک زندگی، تجربه جنسی دگرخواهانه، میزان فعال بودن افراد در این روابط و تجربه روابط هم جنس خواهانه جوانان پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از؛ تغییر نگرش در حال شکل‌گیری در حیطه روابط جنسی می‌باشد.

هوشنگ مهریار و فریده خلیج‌آباد (۱۳۸۵-۱۳۸۴)، به بررسی عوامل خانوادگی پیش‌بینی‌کننده روابط با جنس مخالف در بین دانشجویان دختر دانشگاه‌های تهران پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده پژوهش، نشان داده است تجربه داشتن دوست از جنس مخالف و نزدیکی جنسی در بین دانشجویانی بیشتر شایع است که والدین آن‌ها از نظر

اقتصادی وضع بهتری دارند، ارزش‌های غیر سنتی داشته و یا نگرش سهل‌گیرانه تری نسبت به این‌گونه روابط قبل از ازدواج دارند. از سوی دیگر، جو نا مناسب خانوادگی، سطح کم ارتباط والد-فرزندی، عدم هماهنگی و یا عدم سازگاری بین ارزش‌های والد - فرزند و احترام کم به نظرات والدین، با تجربیات بیشتر دوستی و رابطه جنسی قبل از ازدواج، مرتبط می‌باشد.

**۲-۱- مطالعات خارجی:** پژوهش‌هایی که به بررسی روابط آزاد جنسی و عوامل مرتبط با آن در خارج از کشور انجام شده است، به مراتب گسترده تر از پژوهش‌های داخلی می‌باشد؛ به عنوان مثال، آبراهام لینا<sup>۱</sup> و همکارانش (۱۹۹۷-۱۹۹۶) به بررسی عواملی پرداخته‌اند که بر تجارب جنسی جوانان ازدواج نکرده طبقه پایین هند تاثیر گذار بوده است. یافته‌های پژوهش نشان داده است که؛ خصوصیات فردی مانند: سن و درآمد شخصی، تاثیر متوسطی بر رفتارهای جنسی نوجوانان داشته و متغیرهای خانوادگی هیچ تاثیر معناداری بر رفتار جنسی است. مهم‌ترین و قوی‌ترین پیش‌بینی کننده رفتار جنسی نوجوانان، شناخت و دانش آن‌ها درباره مسائل جنسی، نگرش‌هایشان در مورد سکس و سطوحی از تعاملات اجتماعی و در معرض مواد اروتیک قرار گرفتن بوده است.

مالیکا الکساندر<sup>۲</sup> و همکارانش (۲۰۰۳-۲۰۰۴)، تاثیر عوامل فردی، خانوادگی و گروه‌های همسال را بر روابط دگرجنس خواهانه قبل از ازدواج بررسی کرده‌اند. در این پژوهش، استفاده کردن از الکل، داروها یا فیلم‌های پورنوگرافی و داشتن تعامل بیشتر با دوستان به طور معناداری با روابط جنسی و رمانتیک برای هر دو جنس مرتبط بوده است. میان میزان تحصیلات و روابط رمانتیک و جنسی برای زنان ارتباطی مشاهده نشده اما برای مردان جوان، میزان تحصیلات به طور معناداری با روابط جنسی قبل از ازدواج مرتبط بوده است. همچنین میان روابط دوستانه با والدین و روابط جنسی قبل از

---

۱. Abraham Leena

۲. Mallika Alexander

ازدواج برای پسران رابطه معکوس بوده است. اما برای دختران، ارتباط مثبتی بین این دو عامل وجود داشت. همچنین دخترانی که شاهد کتک زدن مادر توسط پدر بوده‌اند، بیشتر از دیگران به شکل دادن روابط دوستانه تمایل داشته و دخترانی که به وسیله دیگر اعضای خانواده مورد خشونت قرار می‌گیرند بیشتر احتمال دارد که وارد روابط پرخطر و روابط جنسی با دوست پسرشان شوند.

## ۲- رویکرد نظری

در حیطه بررسی مسائل جنسی، دو دسته نظریه قابل تفکیک هستند. دسته اول نظریاتی هستند که رفتار و تمایلات جنسی انسان را به عنوان امری ذاتی در نظر می‌گیرند که به طور بیولوژیکی در همه انسان‌ها وجود دارد؛ نظریات اکثر روانشناسان در این دسته قرار می‌گیرد. دسته دوم نظریاتی هستند که به ساخته شدن اجتماعی رفتار جنسی قائل هستند؛ نظریات صاحب‌نظران علوم اجتماعی در این دسته قرار می‌گیرد. در این جا، به برخی نظریه‌های جامعه‌شناختی که به رفتار جنسی پرداخته‌اند، اشاره می‌شود.

### ۱-۲- دیدگاه کنش متقابل نمادین؛ از دیدگاه تعامل‌گرایان نمادی، رفتار جنسی

مانند همه رفتارهای انسان نمادین است؛ مردان و زنان، با استفاده از نمادها وارد جهانی از معانی می‌شوند که توسط این نمادها به وجود آمده است. رفتار جنسی با طیف متنوعی از رفتارها که هر کدام معنای متفاوتی دارند، مرتبط می‌باشد. - معانی مرتبط با عمل جنسی، فقط مختص به فرزند آوری نیست و می‌تواند شامل کسب لذت، به وجود آوردن صمیمیت، اعمال قدرت و ... باشد. - معانی نمادین مرتبط با فعالیت‌ها و تمایلات جنسی، چگونگی تفکر ما درباره خودمان، چگونگی ارتباط ما با دیگران، چگونگی تفکر دیگران درباره ما و چگونگی ارتباط دیگران با ما را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

همانطور که کیمل<sup>۱</sup> و فراچر<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) گفته‌اند: "درست است که اندام‌های جنسی ما تحت تاثیر بیولوژی بدن عمل تولید مثل را انجام می‌دهند، اما این که ما چگونه "موجودات جنسی هستیم" شامل اینکه چگونه، چه وقت، چرا، با چه کسی و یا احیانا با چه کسانی عمل جنسی را انجام می‌دهیم، تحت تاثیر یادگیری فرهنگی و معانی قرار دارد که در یک مجموعه فرهنگی به افراد منتقل شده است. در واقع، درچارچوب مکتب کنش متقابل نمادین، معانی مرتبط با فعالیت‌ها و تمایلات جنسی مورد توجه قرار می‌گیرد (Longmore, ۱۹۹۸: ۴۴).

دیدگاه‌هایی که در چارچوب مکتب کنش متقابل نمادین به طور خاص در حیطه بررسی مسائل جنسی به کار می‌روند، سه دسته هستند؛ ۱- دیدگاه وضعیتی<sup>۳</sup>  
۲- دیدگاه ساختاری<sup>۴</sup> ۳- دیدگاه شرح حال نگارانه-تاریخی<sup>۵</sup>  
دیدگاه وضعیتی به طور خاص از آراء بلومر سرچشمه گرفته است. او به جامعه شناسانی که به کنش‌های گروهی توجه می‌کردند و صرفاً بر اجرای نقش‌های قبلا ساخته شده (نقش‌های جنسی، شغلی، خانوادگی) توسط افراد تاکید می‌کردند، به دلیل نادیده گرفتن تفاوت‌ها و واقعیت‌ها فردی، انتقاد کرد (Ibid, ۴۶). در مطالعه رفتار جنسی، تعامل گرایان نمادینی که دیدگاه وضعیتی دارند به این نکته توجه می‌کنند که مردم چگونه واقعیت‌های جنسی را می‌سازند. کاربرد دیدگاه وضعیتی در تحقیقات راجع به مسائل جنسی به فهم ما درباره فرایندهای بین شخصی و استراتژی‌های شخصی که در شکل دادن به هویت درگیر می‌شوند و همچنین فرایندهایی که در جامعه

- 
۱. Kimmel
  ۲. Fracher
  ۳. Situational approach
  ۴. Structural approach
  ۵. Historical-biographical approach



پذیری خرده فرهنگ‌های مختلف جنسی دخیل هستند، کمک می‌کند ( Delamater, ۲۳۹: ۱۹۸۷).

در دیدگاه ساختاری، رابطه بین رفتار فرد و جایگاه او در نهادهای بزرگتر مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای تعامل گرایان نمادی ساختارگرا، نهادهای اجتماعی که رفتار جنسی را تحت تاثیر قرار می‌دهند عبارتند از: مذهب، خانواده، اقتصاد، قانون و پزشکی. هر نهادی با یک ایدئولوژی یا گفتمان جنسی مرتبط است. در واقع، تعامل گرایانی که دیدگاه ساختاری دارند به دلیل تاکید بر ساختارهای اجتماعی، بیشتر به جریان اصلی جامعه شناسی نزدیک هستند (Ibid).

دیدگاه شرح حال نگارانه- تاریخی نیز، توسط گیسز و برک<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) مورد بحث قرار گرفته است. دیدگاه مزبور، هم ملاحظات سطح شخصی-بیوگرافی- و هم ملاحظات سطح اجتماعی-تاریخ- را مورد توجه قرار می‌دهد و به متن فرهنگی گسترده تری می‌پردازد که خودها در درون آن شکل می‌گیرند. این دیدگاه، یک چارچوب مفهومی بین رشته‌ای است که بر اهمیت کاربرد دیدگاه‌های بین رشته‌ای در مطالعات رفتار جنسی نیز تاکید می‌کند (longmore, ۱۹۹۸: ۴۷).

۲-۲- آراء گاگنون و سایمون؛ نظریات گاگنون و سایمون در دهه ۱۹۶۰ تاثیر قابل توجهی بر کمرنگ کردن نگاه‌های زیستی و روانکاوانه به رفتار جنسی داشت. مفهوم کلیدی مورد توجه گاگنون و سایمون مفهوم دستخط<sup>۲</sup> یا متن می‌باشد. از نظر آنها مفهوم دستخط را می‌توان عملاً برای توصیف همه رفتارهای انسان به کار برد و ناتوانی در شناسایی و فهم و تعریف این دستخط‌ها را محصول غلبه نگاه زیستی در مطالعه رفتار جنسی می‌دانند

---

۱. Gecas & Burk

۲. Script

"دستخط‌ها، استعاره‌هایی<sup>۱</sup> برای قابل فهم کردن و توصیف رفتارهای انسان در زندگی اجتماعی هستند. قسمت اعظم زندگی اجتماعی در بیشتر اوقات، تحت راهنمایی این دستخط‌ها - که نوعی دستورالعمل برای جنبه‌های مختلف زندگی هستند - انجام می‌شود. در واقع، این دستخط‌ها راهنمای عمل کنشگران هستند و بدون عناصر صحیح یک دستخط که وضعیت را تعریف کند، کنشگران را مشخص کند و چارچوب رفتار را تعیین کند، هیچ رفتار جنسی اتفاق نخواهد افتاد (Gagnon & Simon, ۱۹۷۳: ۱۹).

این دستخط‌ها در سه سطح مختلف وجود دارند: سناریوهای فرهنگی<sup>۲</sup>، دستخط‌های بین شخصی<sup>۳</sup> و دستخط‌های بین روانی<sup>۴</sup>. دستخط‌های فرهنگی، قرائت‌های مسلط درباره رفتار جنسی می‌باشند. آن‌ها، الگوهای جمعی هستند که اهداف و روابط مناسب جنسی را مشخص می‌کنند. آن‌ها به طور تاریخی و فرهنگی خطوط راهنما، در مورد این که عمل جنسی چگونه، کجا، چه وقت، چرا و با چه کسانی باید انجام شود را مشخص می‌کنند (Gagnon & Simon, ۲۰۰۳: ۴۹۰).

دستخط‌های فرهنگی صرفاً، ادراکاتی را درباره رفتار جنسی عمومیت می‌بخشند که باید به وسیله اشخاص پذیرفته و تفسیر شود. برای تفسیر این دستخط‌ها، به دو سطح دیگر از دستخط‌ها که بیشتر به شخص نزدیکند نیاز است. اولین آن‌ها دستخط‌های بین شخصی است؛ این دستخط‌ها، شامل ادراکاتی درباره رفتار جنسی است که بین دو یا چندین نفر در طول زمان ساخته می‌شود. در این سطح، افراد به عنوان کنشگر، دستخط‌های فرهنگی را ایفا، تعدیل، تفسیر و بازنگری می‌کنند. معانی

---

۱. Metaphor

۲. Cultural Scenarios

۳. Interpersonal scripts

۴. Intrapyschic Scripts

کنش متقابل بین فردی نیز به نوبه خود، به وسیله نزدیکترین سطح دستخط‌های جنسی، یعنی دستخط بین روانی تفسیر و درک می‌شود. دستخط‌های بین روانی، در بردارنده فهم شخصی و فردی از رابطه جنسی و معانی آن می‌باشد. در سطح بین روانی، افراد به صورت نقادانه و خلاقانه نقش حضار را بازی می‌کنند. این امر باعث می‌شود آن‌ها دستخط آرمانی شان را برای رفتار جنسی تصویر کنند (Holtby, ۲۰۱۰: ۳-۵).

البته دیدگاه سازه‌گرایی گاگنون و سایمون یکسره منکر نقش بدن و ذات بیولوژیک انسان نیست، با این حال این جنبه‌ها را بری توضیح رفتار جنسی ناکافی می‌دانند. آن‌ها معتقدند که: "اگرچه رفتار جنسی جنبه بیولوژیکی دارد اما قدرت عوامل بیولوژیکی برای شکل دادن رفتار اجتماعی در این مورد به طور قطع کمتر از رفتارهای دیگری است که ریشه در سیستم بیولوژیک انسان دارند. در واقع، اصل سکس بیولوژی نیست، بلکه امر جنسی، تنها از طریق مجموعه پیچیده‌ای از مذاکرات و تعاریف اجتماعی است که ظهور پیدا می‌کند. ما معتقدیم اگر مسائل جنسی نقش مهمی در رفتار انسان‌ها بازی می‌کنند، به این دلیل است که جامعه به این مسائل تاکید داشته و در واقع جامعه مسائل جنسی را به امر مهمی تبدیل کرده است. انتساب کردن این اهمیت، به برخی از ضرورت‌های تقریباً غیرقابل مقاومت زیر لایه‌های بیولوژیکی، اشتباه است" (Gagnon&Simon, ۱۹۸۶: ۲۸۵).

۳-۲- نظریه مبادله اجتماعی؛ نظریه مبادله اجتماعی، بر مبادله منابع میان مردم تاکید می‌کند و به طور گسترده‌ای در مطالعه روابط به کار می‌رود. همه تئوری‌های مبادله اجتماعی حول سه مفهوم هزینه‌ها<sup>۱</sup>، پاداش‌ها<sup>۲</sup> و روابط متقابل<sup>۳</sup> ساماندهی می‌شوند. پاداش‌ها، به عنوان منابع مبادله شده‌ای تعریف می‌شوند که لذت بخش و رضایت بخش هستند. هزینه‌ها به منابع مبادله شده‌ای اشاره دارد که منجر به از دست

---

۱. Costs

۲. RewardS

۳. Reciprocity

رفتن منابع و یا تنبیه می‌شوند، هزینه همچنین شامل هزینه فرصت‌های از دست رفته در مبادلات بین فردی نیز می‌باشد. هزینه منهای پاداش نیز، به عنوان نتیجه<sup>۱</sup> عمل تعریف شده است. مفهوم عمل متقابل نیز، به این نکته اشاره دارد که افراد، به تناسب عمل دیگران به آن‌ها پاداش می‌دهند (Sprecher, ۱۹۹۸: ۳۲).

به طور کلی، تئوری‌های مبادله اجتماعی بر سه فرض اساسی استوارند: ۱- رفتار اجتماعی، مجموعه‌ای از مبادلات است. ۲- افراد در مبادلات خود سعی می‌کنند، پاداش‌ها را افزایش دهند و هزینه‌ها را کم کنند. ۳- وقتی که افراد از دیگران پاداش دریافت می‌کنند، احساس می‌کنند که باید مقابله به مثل کنند و به آن‌ها پاداش دهند (Ibid). در مطالعه روابط جنسی این اصول می‌تواند شامل تبادل منابع جنسی برای به دست آوردن منابع دیگری باشد، که این منابع می‌توانند جنسی و یا غیر جنسی باشند (مثل، تعهد، موقعیت اجتماعی یا پول). افراد براساس ارزیابی کردن پاداش‌های به دست آمده و هزینه‌های از دست رفته وارد یک رابطه جنسی می‌شوند، رابطه را ادامه می‌دهند و یا از آن رابطه بیرون می‌آیند (Delamatar, ۱۹۸۷: ۲۳۹).

در واقع، چارچوب تئوری مبادله اجتماعی و اشکال مختلف آن، به دلیل تاکید بر مبادلات بین شخصی برای بررسی موضوعات زیادی در حیطه تمایلات جنسی، قابل کاربرد است. این چارچوب برای درک مسائل جنسی در محدوده یک رابطه مفید است؛ از جمله این که چرا دو نفر همدیگر را به عنوان شریک جنسی انتخاب می‌کنند، کدام یک از شرکاء نفوذ بیشتری بر فعالیت‌های جنسی دارد، میزان رضایت جنسی و این که کدام یک از طرفین به دنبال فعالیت جنسی خارج از رابطه دو نفره هستند. دیدگاه مبادله برای اشکال متفاوت روابط جنسی، اعم از رابطه تن فروش - مشتری (که در آن تبادل بسیار صریح و روشن و برجسته است) تا زوجی که سال‌هاست ازدواج کرده و با هم

زندگی می‌کنند (که در آن مبادله کاملاً آشکار و واضح نیست). قابل کاربرد است (Sprecher, ۱۹۹۸:۳۲).

### چهارچوب مفهومی

جهت دستیابی به یک مدل مفهومی روشن و مبین سعی شده است تلفیقی از نظریات ارائه شده در حوزه کنش متقابل نمادین، تئوری مبادله اجتماعی و آراء گاگنون و سایمون مورد استفاده قرار گیرد.

از دیدگاه گاگنون و سایمون قسمت اعظم زندگی اجتماعی در بیشتر اوقات، بر اساس راهنمایی دستخط‌ها - که نوعی دستورالعمل برای جنبه‌های مختلف زندگی هستند - در سه سطح سناریوهای فرهنگی<sup>۱</sup>، دستخط‌های بین شخصی<sup>۲</sup> و دستخط‌های بین روانی<sup>۳</sup> انجام می‌شوند. این دستخط‌ها راهنمای عمل کنشگران هستند و بدون عناصر صحیح یک دستخط هیچ رفتاری از جمله رفتار جنسی اتفاق نخواهد افتاد (Gagnon & Simon, ۱۹۷۳: ۱۹).

این سناریوهای فرهنگی از منظر ساختاری نظریه کنش متقابل نمادین، در واقع رابط بین رفتار فرد و جایگاه او در نهادهای بزرگتر جامعه می‌باشند. از این منظر، نهادهای اجتماعی که به ساخت دستخط‌های فرهنگی کمک می‌کنند و رفتار جنسی را تحت تاثیر قرار می‌دهند عبارتند از: مذهب، خانواده، اقتصاد، قانون و پزشکی. هر نهادی با یک ایدئولوژی یا گفتمان جنسی مرتبط است که به تولید سناریوهای فرهنگی مختلف منجر می‌شود. بنابراین دستخط‌های فرهنگی، قرائت‌های مسلط و الگوهای جمعی هستند که اهداف و روابط مناسب جنسی را مشخص می‌کنند و خطوط راهنما،

---

۱. Cultural Scenarios

۲. Interpersonal scripts

۳. Intrapyschic Scripts

در مورد این که عمل جنسی چگونه، کجا، چه وقت، چرا و با چه کسانی باید انجام شود را به طور تاریخی و فرهنگی مشخص می‌کنند (Gagnon & Simon, ۲۰۰۳: ۴۹۰).

از سوی دیگر آنچه که در نظریه گائون و سایمون تبیین می‌شود این است که این دستخط‌های فرهنگی توسط ادراکاتی درباره رفتار جنسی که بین دو یا چندین نفر در طول زمان ساخته می‌شود یا همان دستخط‌های بین شخصی، تعدیل، تفسیر و بازنگری می‌شوند. معانی کنش متقابل بین فردی نیز به نوبه خود، به وسیله نزدیکترین سطح دستخط‌های جنسی، یعنی دستخط بین روانی که در بردارنده فهم شخصی و فردی از رابطه جنسی و معانی آن می‌باشد تفسیر و درک می‌شود. در سطح بین روانی، افراد به صورت نقادانه و خلاقانه نقش حضار را بازی و در نتیجه، دستخط آرمانی شان را برای رفتار جنسی تصویر می‌کنند (Holtby, ۲۰۱۰: ۳-۵).

این وضعیت باعث می‌شود که رفتار جنسی با طیف متنوعی از رفتارها که هر کدام معنای متفاوتی دارند، مرتبط باشد. در نتیجه آنچه که در دیدگاه کنش متقابل نمادین بر آن تاکید می‌شود این است که معانی مرتبط با عمل جنسی، فقط مختص به فرزند آوری نیست و می‌تواند شامل کسب لذت، به وجود آوردن صمیمیت، اعمال قدرت و... باشد. بر این اساس و با توجه به تئوری مبادله اجتماعی، این که کدام یک از معانی مرتبط با عمل جنسی بر یک رفتار جنسی مسلط باشد حول سه مفهوم هزینه‌ها<sup>۱</sup>، پاداش‌ها<sup>۲</sup> و روابط متقابل<sup>۳</sup> ساماندهی می‌شوند. به طور کلی، تئوری‌های مبادله اجتماعی بر سه فرض اساسی استوارند؛ ۱- رفتار اجتماعی، مجموعه‌ای از مبادلات است. ۲- افراد در مبادلات خود سعی می‌کنند، پاداش‌ها را افزایش دهند و هزینه‌ها را کم کنند. ۳- وقتی که افراد از دیگران پاداش دریافت می‌کنند، احساس می‌کنند که باید مقابله به

---

۱. Costs

۲. RewardS

۳. Reciprocity

مثل کنند و به آن‌ها پاداش دهند. (Ibid) در مطالعه روابط جنسی این اصول می‌تواند شامل تبادل منابع جنسی برای به دست آوردن منابع دیگری باشد، که این منابع می‌تواند جنسی و یا غیرجنسی باشد (مثل تعهد، موقعیت اجتماعی یا پول). افراد براساس ارزیابی کردن پاداش‌های به دست آمده و هزینه‌های از دست رفته، وارد یک رابطه جنسی می‌شوند، رابطه را ادامه می‌دهند و یا از آن رابطه بیرون می‌آیند ( Delamatar, ۲۳۹: ۱۹۸۷).

### سوالات:

مبانی شکل‌گیری یک رابطه آزاد جنسی قبل از ازدواج در دختران چیست؟  
روند شکل‌گیری این رفتار چگونه است؟  
مفاهیم مورد تاکید در این گونه روابط کدامند؟

### ۳- روش تحقیق

از آن جایی که روابط آزاد جنسی در جامعه ما، موضوع تابویی به شمار می‌آید و افراد به سختی در مورد تجارب خود صحبت می‌کنند، استفاده از روشی که بتوان بیشترین میزان اعتماد را فراهم آورد تا به اطلاعات معتبری دست یافت، ضروری به نظر می‌رسید. این مهم نیز، با استفاده از روش کیفی که امکان درونگری همدلانه را فراهم می‌کند محقق می‌شد. از این رو روش مورد استفاده این پژوهش، روش کیفی بوده است و روش نظریه زمینه‌ای جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها انتخاب شده است.

#### ۳-۱- مشارکت کنندگان و نمونه‌گیری

مشارکت کنندگان این پژوهش را ۲۱ نفر از دخترانی تشکیل داده‌اند که روابط آزاد جنسی را تجربه کرده و در شهر تهران ساکن بوده‌اند. همه مشارکت کنندگان در

رده سنی ۱۸-۲۹ سال قرار داشتند. در مرحله نمونه گیری، از نمونه گیری گلوله برفی<sup>۱</sup> و نمونه گیری نظری<sup>۲</sup> به صورت همزمان استفاده شد. از نمونه گیری گلوله برفی برای گزینش افراد مورد مصاحبه و از نمونه گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده شده است.

### ۲-۳- گردآوری داده‌ها

تحقیق کیفی این امکان را فراهم می‌کند که محقق، از شیوه‌های مختلف در گردآوری اطلاعات استفاده کند و ابعاد پدیده مورد بررسی را با استفاده از آن‌ها مورد مطالعه قرار داده و روشن نماید. در این پژوهش، از تکنیک مصاحبه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. مصاحبه را "گفت و گو یا گفت و شنود هدفمند"<sup>۳</sup> نامیده‌اند؛ بدین معنی که محقق با هدف کسب اطلاعات درباره موضوعی خاص با مصاحبه شونده صحبت می‌کند (محمدی، ۱۳۸۷: ۸۰). در یک سنخ‌شناسی رایج، مصاحبه را به سه نوع؛ منتظم، غیر منتظم و نیمه منتظم تقسیم کرده‌اند که در پژوهش حاضر از تکنیک مصاحبه نیمه منتظم استفاده شده است؛ به این صورت که با در دست داشتن یک سری سوالات کلی، ارتباط خود را با افراد مورد مطالعه آغاز کردیم. این سوالات اولیه را که معمولاً کلی و یا به اصطلاح نیمه استاندارد است "راهنمای مصاحبه" می‌نامند، زیرا این سوالات در مراحل اولیه فقط برای باز کردن سر صحبت است (همان، ۸۲).

### ۳-۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در روش نظریه‌مبنایی، تحلیل داده‌ها همزمان با جمع‌آوری داده‌ها انجام می‌شود. در این رویکرد، تفسیر داده‌ها نمی‌تواند مستقل از گردآوری یا نمونه‌گیری از آن‌ها

---

۱. Snowball Sampling

۲. Theoretical sampling

۳. Conversation With Purpose



انجام شود. تحلیل و تفسیر، همان مرجعی است که براساس آن‌ها تصمیم می‌گیریم که کدام داده یا مورد را در مرحله بعد بگنجانیم (فلیک، ۱۳۸۸: ۳۲۹).

در فرآیند ساخت نظریه مبنایی، داده‌های گردآوری شده به مفاهیم کدگذاری شده تبدیل و در یک پیوستار فرآیندی به هم متصل می‌شوند. برای انجام این کار، نظریه زمینه ای، یک سری رویه‌های تحلیلی را به کار می‌برد. این رویه‌ها، شامل کدبندی باز<sup>۱</sup>، محوری<sup>۲</sup> و گزینشی<sup>۳</sup> هستند. کدگذاری در روش نظریه مبنایی، نشان‌دهنده‌ی عملیاتی است که در آن داده‌ها خرد شده، مفهوم‌پردازی می‌شوند و آن گاه با روش‌های تازه، دوباره به هم پیوند زده می‌شوند (استراس و کوربین، ۱۳۸۷: ۵۷). در واقع، کدگذاری فرآیندی محوری است که امکان رسیدن به نظریه‌ها بر اساس داده‌ها را فراهم می‌سازد.

#### ۴- یافته‌ها

در پژوهش حاضر، داده‌های گردآوری شده از مصاحبه‌ها، تجزیه و تفکیک شدند و در مرحله کدگذاری باز، به صورت مفاهیم درآمدند. در مرحله دوم و در کدگذاری محوری، مفاهیم با هم ترکیب شده و مقولات در سطح بالاتری از انتزاع تشکیل شدند و در نهایت در مرحله کدگذاری گزینشی، مقوله هسته "بازاندیشی در تعامل جنسی" به دست آمد. در ادامه به اختصار به هر کدام از مقولات عمده و سپس به مقوله هسته پرداخته می‌شود و مقولات به دست آمده در چارچوب مدل پارادایمی در ارتباط با هم قرار می‌گیرند.

۴-۱- خود مرجعی<sup>۴</sup>: مقوله خود مرجعی از ترکیب مفاهیم لزوم تعیین

چارچوب توسط افراد، نفی مرجعیت دین، نفی عمل به دستورات جامعه و... به دست آمده است.

- 
۱. Open Coding
  ۲. Axial Coding
  ۳. Selective Coding
  ۴. Self-Refrence

در گذشته، فرد در چارچوب مرجعیت‌هایی عمل می‌کرد که برای او حالت بیرونی داشتند. مهمترین این مرجعیت‌ها، نظام‌های دینی و سیاسی ای بودند که جهت کلی زندگی فرد را در یک دوره طولانی تعیین می‌کردند. کسانی که موظف به تفسیر احکام دینی بودند و نیز کسانی که تولید فرد را در بعد سیاسی به عهده داشتند، وظیفه فرد را پیروی و اطاعت از این حکم‌ها و دستورات برون مرجع می‌دانستند. اما در دوران مدرن، ساختارها و تابلوهای راهنمایی که طرز کار و جهت حرکت فرد را در جوامع سنتی تعیین می‌کردند در جوامع امروزی وجود ندارند و علامات و دستورالعمل‌هایی روی آن‌ها نقش نبسته است. بنابراین در دوران مدرن، مراجع مطمئن و ثابتی وجود ندارد و آن‌ها فقط تا اطلاع بعدی قابل اعتماد هستند (وثوقی و میرزایی، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

تحلیل مصاحبه‌ها نشان دهنده کمرنگ شدن اهمیت مرجعیت‌های سنتی و تاکید بر خودمرجعی، نزد افراد مورد مطالعه است. در نتیجه کمرنگ شدن نقش مرجعیت‌های سنتی، افراد در تعیین خط مشی زندگی، هر چه بیشتر بر توانایی و ابتکار عمل خود تکیه خواهند کرد. بیشتر پاسخگویان به لزوم تعیین چارچوب‌ها توسط خود تاکید کرده و اظهار داشته‌اند، خود آن‌ها هستند که تعیین می‌کنند رابطه جنسی چه وقت، چرا و با چه کسانی درست یا غلط است. پریسا در این رابطه می‌گوید:

«این خود آدمه که تعیین می‌کنه چه رفتاری درسته. من خودم تعیین می‌کنم که کی (چه وقت) و با کی (چه کسی) سکس داشته باشم. چارچوب‌ها رو خود آدما که تعیین می‌کنن نه دین، نه جامعه، نه عرف، و نه هیچ چیز دیگه ای.»

پاسخگویان به این امر اذعان داشته‌اند که امروزه، تمایل افراد به عمل کردن بر اساس چارچوب‌هایی که خود آن‌ها تعیین کرده‌اند، بیشتر شده است. شیرین اظهار می‌کند:

«به نظرم این که این روابط اینقدر عادی شده، هیچ ربطی به غربزدگی نداره. مگه سکس فقط مال غربی‌هاست؟ آگه این مسائل زیاد شده به خاطر اینکه همه می‌خوان هر طور که دلشون می‌خواد زندگی

کنن، هر کی هر چی دلش بخواد. به نظر منم آدم باید به دلش نگاه کنه  
بینه دلش چی میخواد همونو انجام بده.»

همه این موارد گویای این قضیه است که برای افراد مورد مطالعه، تصمیم‌گیری در مورد روابط با جنس مخالف و روابط جنسی به موضوعی گزینشی، انتخابی و فردی تبدیل شده است.

۲-۴- غوطه وری در عشق؛ مقوله فوق، از ترکیب مفاهیم پرستیدن، ابراز علاقه، از جون مایه گذاشتن، اوج دوست داشتن، عشق واقعی و ... به دست آمده است. عده‌ای از پاسخگویان، انگیزه خود را از درگیر شدن در رابطه جنسی، علاقمندی و عشق به طرف مقابل ذکر کرده‌اند. آرزو می‌گویند:

«من خیلی دوست پسر داشتم ولی به محض اینکه بهم پیشنهاد سکس می‌دادن باهاشون کات می‌کردم چون عمیقاً دوستشون نداشتم. اما واقعا حمید رو دوست داشتم واقعا عاشقش بودم؛ عشق من این بود که همه وجودم اون بود. به نظرم لازمه این روابط دوست داشتنه. البته خیلی‌ها بدون دوست داشتن این کار رو می‌کنن اما به نظرم اونا مشکل دارن.»

برای این افراد، رابطه عاشقانه، مجوز ورود به رابطه جنسی بوده و رابطه جنسی را نوعی ابراز علاقه و راهی برای اثبات عشق خود دانسته‌اند. از نظر آنان، کسانی که بدون عشق با طرف مقابل خود وارد رابطه جنسی می‌شوند با دختران همه جایی و هرزه فرقی ندارند. در واقع نزد این افراد، روابطی که با عشق همراه است مجاز و بی بند و باری جنسی که در آن افراد با هر کسی وارد رابطه می‌شوند مطرود است. سحر می‌گوید:

«خیلی دوسش داشتم، حتی اگه بخاطرش می‌مردم برام مهم نبود فقط می‌خواستم اون ناراحت نشه. اونو دوس داشتم و خودم رو دوس نداشتم. صرفاً به خاطر دوس داشتنم بود که اینقدر به هم نزدیک شدیم وگرنه آدم که نمی‌تونه با هر کسی وارد این رابطه‌ها بشه. اگه اینجوری بود که فرقی با دخترای هرزه نداشتم.»

یکی از نکات برجسته در میان کسانی که تحت تاثیر علاقمندی، به برقراری رابطه جنسی دست زده‌اند این است که آن‌ها، به ایده آل سازی معشوق خود دست زده و تصویر یک موجود آرمانی، دست نیافتنی و متفاوت از سایرین در ذهن آن‌ها متجلی شده است؛ در واقع، تحت تاثیر ایده آل سازی معشوق، راحت تر پذیرای رابطه جنسی می‌شده‌اند. مهسا می‌گوید:

«فکر می‌کردم مرد رویاهامه، همون که آرزو داشتم.»

آن‌ها همچنین، به خاصیت غیر منطقی عشق نیز اشاره کرده و خود را مقهور نیروی عشق دانسته‌اند. طوری که برخی از آن‌ها، با وجود منفی ارزیابی کردن این گونه روابط، تحت تاثیر علاقمندی و عشق به طرف مقابل خود، باز هم در رابطه باقی مانده‌اند. سیما می‌گوید:

«میدونم که ارزشش رو نداره، ولی بدی عشق همینیه. وقتی عاشق

یکی باشی دیگه بدی‌هاش رو نمی‌بینی برای بدی‌هاش هم سعی می‌کنی

دلیل بیاری.»

۳-۴- لذت گرایی؛ مقوله لذت گرایی از ترکیب مفاهیمی مانند خوش بودن، دم را غنیمت شمردن، جوانی کردن و ... به دست آمده است. برای عده‌ای از پاسخگویان، کشف و پیگیری لذات زندگی و از جمله لذت جنسی مرکزیت داشته و بر همین اساس، انگیزه خود را از برقراری روابط آزاد جنسی، لذت بردن دانسته‌اند. می‌توان گفت، با گسترش خود مرجعی و تاکید هر چه بیشتر بر تعیین خط مشی زندگی توسط خود افراد، آن‌ها بیشتر مستعد آن هستند که براساس تمایلات شخصی خود عمل کنند. پریسا می‌گوید:

«بینید، من میگم آدم به بار دنیا میاد و یه بارم زندگی می‌کنه باید از

زندگی اش لذت ببره.»

دخترانی که انگیزه خود را لذت طلبی ذکر کرده‌اند، به تعویق انداختن ارضاء نیاز جنسی تا هنگام ازدواج را مسخره تلقی کرده و به ارضاء آنی نیاز جنسی اعتقاد دارند. سمیرا در این رابطه اظهار می‌کند:

«به نظرم معنی نداره آدم ارضاء نیازش رو به تاخیر بندازه، آدم باید

جوونی کنه و خوش باشه.»

از دیدگاه آنان، رابطه جنسی، یکی از قطعی‌ترین نیازهای جسمی و روحی آدمی است که نمی‌توان جای آن را با چیز دیگری پر کرد.

۴-۴- تابو زدایی از بدن؛ تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد، دختران در ارزش‌های معطوف به بدن بازنگری کرده‌اند و نظام ارزشی جدید برای آنان، مشخصه‌های دیگری دارد. مثلاً، هنجارهایی مثل باکره بودن و زیر سوال بردن آن که در گذشته و حتی هم اکنون، سخن گفتن از آن برای بسیاری از جوانان تابو محسوب می‌شود، اهمیت خود را برای برخی از دختران مورد مطالعه از دست داده است. پریسا می‌گوید:

«من شخصا هیچوقت قضیه بکارت برام مهم نبوده، و اصلاً هم

پشیمون نیستم که بکارتم رو از دست دادم.»

راحله نیز می‌گوید:

«به نظرم خیلی مسخره اس که اینقد تو جامعه ما به قضیه بکارت

اهمیت میدن، مگه انسان بودن دختر به باکره بودنش؟ انگار شرافت و

انسانیت فقط منوط به باکره بودن آدمه.»

در واقع، ذهنیت جدید به این دختران اجازه داده آن تقدسی را که پیش از این بدن، در یک رابطه جنسی داشت را نفی کنند. آنان تعاریف جدیدی از بدن و رابطه جنسی دارند و قواعد جدیدی را برای خود باز تعریف کرده‌اند. با دگرگونی این ذهنیت و این که دیگر تجربه جنسی، معصومیت آن‌ها را زیر سوال نبرده و تنها یک گذار، شناخت و تجربه می‌باشد، بسیاری از رفتارهای آنان تغییر می‌کند.

۴-۵- فشار هنجاری گروه دوستان؛ زمانی که یک الگوی رفتاری بین گروه معینی رایج می‌شود، اعضای گروه ناچار به تبعیت می‌شوند. تحلیل یافته‌ها نشان داد دختران مورد مطالعه، در بستر گروه دوستان برای درگیر شدن در روابط دوستانه با جنس مخالف تشویق شده‌اند. آن‌ها به همه گیر شدن روابط دوستانه در میان دوستانشان اشاره کرده‌اند. برخی از آنان اذعان داشته‌اند، اگر در جمع‌های دوستانه دوست پسر نداشته باشند احساس کهنتری، عقب ماندن از دیگران، جذاب نبودن و... می‌کنند. در نتیجه تحت تاثیر این فشارها، به ارتباط با جنس مخالف اقدام می‌کنند. فرشته در این رابطه می‌گوید:

«این روابط اینقدر زیاد شده که وقتی با دوستات می‌شینم، می‌بینی همه رابطه دارن و این حس بهت دست میده که اگه درگیر این روابط نشی از زمونه عقب مونی، این جاست که پیش خودت فک می‌کنی من چرا نداشته باشم.»

در واقع، دختران مورد مطالعه، در کنش متقابل با دوستانی که درگیر رابطه دوستانه و رابطه جنسی با جنس مخالف شده‌اند، به همنوایی با آن‌ها اقدام کرده‌اند. همنوایی یا هم‌رنگی، جلوه‌ای از نفوذ و قدرت اجتماع است که می‌توان آن را تسلیم شدن به فشارهای گروهی، وقتی که تقاضای مستقیمی از سوی گروه در مورد هم‌رنگ شدن فرد با گروه ابراز نشده باشد تعریف کرد (رایتسمن، ۱۹۸۴، به نقل از کریمی، ۱۳۸۴: ۸۷). ساناز در این باره می‌گوید:

«آدم که توی جمع دوستات می‌شینم، می‌بینم همه دارن از رابطه‌هاشون حرف می‌زنن بعد میری خونه می‌شینم با خودت فکر می‌کنی همه دارن، من چرا نداشته باشم! کسایی هم که قیافه‌ای ندارن با چن نفر هستن، من که خودمم زیبایی دارم چرا دوست پسر نداشته باشم؟ چرا رابطه نداشته باشم.»

۴-۶- راهبردهای مدیریتی خانواده؛ تحلیل مفاهیم مصاحبه‌ها نشان داد؛ راهبرد مدیریتی خانواده، عامل مداخله‌گر موثری در برقراری روابط آزاد جنسی توسط دختران بوده است. مقصود از راهبرد مدیریتی خانواده، نحوه اعمال کنترل خانواده بر فرزندان، میزان و چگونگی تعامل والدین با فرزندان و... می‌باشد. برخی از پاسخگویان اذعان کرده‌اند که با شاغل بودن والدین و کاهش حضور والدین در خانه، فرصت تعامل میان والدین و فرزندان کم می‌شود و با کم شدن فرصت‌های تعامل، فضای صمیمانه و عاطفی لازم در خانواده به وجود نخواهد آمد. سمیه می‌گوید:

«پدر و مادرا خیلی مقصران همش بیرونن، سرکارن، فقط سرشون

به قسط و وام دادن و اینا گرمه. خب وقتی که مدام بیرونن به نظرت

میشه باهاشون صمیمی شد؟»

پاسخگویان همچنین به سخت‌گیری‌ها و سهل‌گیری‌های خانواده در رابطه با ارتباط با جنس مخالف اشاره کرده‌اند و خواستار تغییر نگرش خانواده‌ها در زمینه ارتباط بین دو جنس بوده‌اند. آن‌ها، ارتباط دوستانه ساده (رابطه دوستانه بدون رابطه جنسی) با جنس مخالف را ضروری پنداشته و آن را به عنوان یک شیوه جدید زندگی در عصر مدرن تفسیر و ارزیابی کرده‌اند و معتقدند، با ورود به عرصه جهانی و گسترش روز افزون استفاده از وسایل ارتباطی و آشنایی با فرهنگ‌های دیگر، دنیا در حال تغییر است و والدین نیز باید در ارزش‌های خود بازنگری کرده و با تغییرات همگام شوند. نرگس می‌گوید:

«الان با ورود تکنولوژی همه چی تغییر کرده؛ خانواده‌ها هم باید

خودشون رو با شرایط جدید وفق بدن و دوستی‌های دختر و پسر و این

مسائل رو بپذیرن، اینجور جوونا کمتر خطا می‌کنند.»

به زعم مصاحبه‌شوندگان، همگامی خانواده با جوانان و پذیرش روابط دوستانه با جنس مخالف و مدیریت کردن روابط دوستی فرزندان‌شان، مانعی در برقراری روابط

جنسی توسط افراد است و در مقابل، نظارت سخت گیرانه والدین بر فرزندان را عاملی در جهت ایجاد روابط پنهانی ذکر کرده‌اند.

۷-۴- الگوپذیری از برنامه‌های ماهواره؛ با ورود به عصر اطلاعات، رسانه‌های مختلف نقش مهمی در شکل دادن به ذهنیات افراد بازی می‌کنند. رسانه‌ها از کارکرد عمده‌ای در تفسیر مردم از بایدها و نبایدها، ادراک آنان از محیط اجتماعی- فیزیکی و به طور کلی نگرش جامعه به ارزش‌های اخلاقی، احساسی و معیارهای اجتماعی با توجه به نقش‌ها (شامل جنس، سن و موقعیت) و مقررات رفتاری برخوردارند (بورن، ۱۳۷۹: ۱۱۵-۱۰۷ به نقل از دهشیری، ۱۳۸۸: ۱۸۹). از آن جایی که رسانه‌های تصویری مانند ماهواره، علاوه بر تصویر از روایتی داستان گونه نیز برخوردارند به مراتب نقش مهم تری در برداشت افراد از دنیای پیرامون بازی می‌کنند. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها نیز، نشان دهنده تاثیر ماهواره بر نگرش و رفتار افراد در حیطه مسائل جنسی می‌باشد. در واقع، ماهواره با نمایش فیلم‌های رمانتیک و عاشقانه فضایی را فراهم می‌آورد که بیننده‌ها با بازیگران همذات پنداری می‌کنند. مهناز می‌گوید:

«فیلم‌های ماهواره روی آدم خیلی تاثیر می‌ذاره، توی همه فیلما  
میخواد اینو نشون بده که هر زمون عاشق شدی-عاشق هر کس-برو  
دنبال عشق ات، در هر موقعیتی که هستی حتی اگه زن و شوهر داری .  
طوری هم نشون میدن که من بیننده فکر می‌کنم کار خوبیه و همش دلم  
میخواد طرف به عشق اش برسه، حتی با وجود خانواده داشتن.»

برخی از دختران مورد مطالعه نیز به گزینش فیلم‌های ماهواره و دیدن فیلم‌های محرک جنسی اشاره کرده‌اند. سهیلا می‌گوید:

«من خیلی ماهواره می‌بینم، اینقدر همه چی رو عادی جلوه میده که  
واقعا فکر می‌کنم کار درست همونه که اونا انجام میدن.طرف خیلی  
راحت رابطه داره، حامله میشه و این ادامه پیدا می‌کنه و کم کم برات  
جا می‌افته.»



ماهواره با نمایش سبک زندگی‌های مختلف، این فرصت را برای بیننده فراهم می‌آورد که به گونه‌های دیگر زندگی نیز اندیشیده و در رویه زندگی خود بازنگری کند.

۴-۸- **بسترهای محدود فراغت؛** اوقات فراغت، عرصه اجتماعی نوینی است که در بستر مدرنیته، تغییرات فرهنگی-اجتماعی معاصر و رشد فرهنگ مصرف‌گرای معنای اهمیت یافته است. فراگیر شدن عناصر نوسازی به ویژه فرآیند صنعتی شدن، موجب از هم گسیختگی و پاره پاره‌گی فزاینده زندگی روزانه افراد شده و در نتیجه تفکیک فزاینده‌ای بین ساعات کاری و غیر کاری به وجود آمده است (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۵۸). در نتیجه این فرآیند، امروزه افراد بیش از گذشته به نحوه گذران اوقات فراغت خود اهمیت می‌دهند. آن‌چه قابل ذکر است، اهمیت بیش از پیش به حفظ و ایجاد تنوع در اوقات فراغت برای جوانان است. اما در جامعه ما، فضاهای اجتماعی و فیزیکی که در آن جوانان به ویژه دختران بتوانند به فعالیت‌های فراغتی بپردازند با محدودیت روبروست و گزینه‌های فراغتی آنان محدود است. یکی از عواملی که به زعم مصاحبه‌شونده‌ها، ورود افراد به روابط آزاد جنسی را تسریع می‌بخشد، امکانات فراغتی محدود می‌باشد. افراد در فقدان بسترهای فراغتی مناسب تلاش می‌کنند خلاء موجود را با وارد شدن به بسترهای دیگر جبران کنند. مریم می‌گوید:

«ما جوونا واقعا، تفریح و سرگرمی نداریم، خونه که میری بیکاری، برای ما دخترام که اوضاع بدتر. میگی حداقل یکی باشه که باهاتس بگی و بخندی به خاطر همینیه که الان سرگرمی جوونامون شده، سکس در جاهای خلوت.»

۴-۹- **تفکیک جنسیتی؛** به زعم پاسخگویان، یکی از شرایطی که ورود افراد به روابط آزاد جنسی را تسریع می‌بخشد، تفکیک جنسیتی موجود در جامعه است. به این صورت که عدم برقراری ارتباط با جنس مخالف، موجب بروز التهاب و نیازمندی در درون افراد شده و سرکوب این نوع احساسات، افزایش نیاز را ایجاد می‌کند و در نتیجه

وقتی که فرصت برقراری ارتباط دوستانه با جنس مخالف برا آن‌ها مهیا شد، بالقوه پتانسیل قوی تری برای ورود به روابط آزاد جنسی دارند. دختران به این امر اذعان داشته‌اند که عدم شناخت جنس مخالف که به دلیل تفکیک جنسیتی به وجود آمده است، باعث می‌شود وقتی که وارد رابطه دوستانه با جنس مخالف می‌شوند در رابطه خود زیاده روی کنند. زهره در این رابطه می‌گوید:

«ایقدر که متن جامعه تفکیک جنسیتی به یه جور تشنگی میریم جلو، هر دو طرف هم دختر هم پسر. این عطش، باعث روابط زود هنگام میشه. اون طرف (کشورهای غربی) دختر و پسر سال‌هاست که همو می‌شناسن و با هم دوستن تازه بعد از مدت‌ها این احساس و اجازه رو دارن که یه کم صمیمی بشن ماها زیاده روی می‌کنیم.»

۱۰-۴- افزایش عاملیت: با گسترش حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی، به مرور عاملیت آنان در عرصه‌های مختلف زندگی و از جمله رابطه با جنس مخالف در حال افزایش است. یافته‌ها نشان می‌دهد عده‌ای از دختران، نقش فعالی در برقراری رابطه با جنس مخالف خود دارند و منفعل بودن در رابطه را منفی قلمداد می‌کنند. آنان بر لزوم انتخاب کردن و نه انتخاب شدن تاکید کرده و آن را حق مسلم خود می‌دانند. پریسا در این رابطه می‌گوید:

«من خودم اولین بار به دوست پسر من پیشنهاد سکس دادم و اونم قبول کرد، دختر که نباید همیشه به درخواست جواب بده، بلکه خودش باید درخواست کننده باشه.»

ماندانا نیز در این رابطه می‌گوید:

«بعضی‌ها اعتماد به نفس ندارن، میگن ما نمی‌تونیم خودمون انتخاب کنیم؛ اما من به خودم اعتماد دارم و خودم دوست پسر رو رانتخاب می‌کنم و منتظر نمی‌شم کسی بهم پیشنهاد بده.»

۱۱-۴- رابطه دوستانه طولانی مدت؛ رابطه دوستانه طولانی مدت، به عنوان بستری برای رابطه جنسی عمل کرده است. به عبارتی، برای اکثریت مصاحبه شونده‌ها، رابطه جنسی در طی یک فرآیند به وقوع پیوسته است. برای این افراد، رابطه با روابط جسمی نظیر دست گرفتن، دست در دور کمر هم انداختن و بوسیدن آغاز می‌شود و با طولانی شدن رابطه به سکس رسیده است. سمیرا می‌گوید:

« من تا ۲۲ سالگی دوست پسر نداشتم، حتی الان که این کلمه دوست پسر، برای همه عادی شده بین خانواده یمان معنی نداره. اما بعد دو سال تلفنی صحبت کردن و اس ام اس دادن کم کم همه چی پیش اومد و عادی شد. چیزی که من حتی فکرش رو نمی‌کردم. می‌دونید خود به خود به این جور جاها کشیده می‌شه. کسی باید بگه من با سکس قبل از ازدواج و این مسائل مخالفم که حتی دنبال دوستی ساده در حد صحبت کردن هم نباشه.»

سحر نیز می‌گوید:

«همه چی کم کم شروع میشه نه یکدفعه. اوایل که بیرون می‌رفتیم حتی دست همدیگر رو نمی‌گرفتیم. ولی بعدش همه چی عادی شد... اصولاً برای همه عادی میشه. کم کم چشم آدم عادت می‌کنه، قلب آدم عادت می‌کنه.»

سیما نیز می‌گوید:

«ما چهار ساله که با هم دوستیم. خوب اوایل هیچی نبود، اما بعدش با بوس و این چیزا شروع شد، کم کم همه چی عادی شد تا اینکه به سکس رسید.»

۱۲-۴- دگرگونی معیارهای ازدواج؛ تحلیل مصاحبه‌ها حاکی از آن است که معیارهای ازدواج نزد دختران مورد مطالعه تغییر کرده است. آنان دیگر نمی‌خواهند به

ابتکار والدین یا خویشان و در چارچوب سنت‌ها ازدواج کنند. مصاحبه شوندگان به ضرورت و اهمیت عشق قبل از ازدواج تاکید داشته و معتقدند، عشق چیزی نیست که با خانه نشینی حاصل شود بلکه لازمه به وجود آمدن عشق، رابطه دوستانه قبل از ازدواج است. زهرا می‌گوید:

«اگه عشق قبل از ازدواج نباشه آدم احساس آرامش نمی‌کنه. این که میگن عشق بعد از ازدواج به وجود میاد به نظر من به وجود نمیاد بلکه به هم عادت می‌کنن.»

آنان، ازدواج‌های سنتی را از این جهت که نمایانگر نگاه کالا گونه به جنس مونث است منفی قلمداد می‌کنند. لایلا می‌گوید:

«کاملاً مخالف ازدواج سنتی ام، باید دوطرف همدیگر و بشناسن و خودشون تصمیم بگیرن که می‌خوان ازدواج کنن یا نه.»  
سمیه نیز می‌گوید:

«من روابط متعدد رو قبول ندارم ولی اینم قبول ندارم، که بدون این که با یکی دوست باشم باهاش ازدواج کنم.»

برای برخی از دختران، اطمینان از ارضاء نیازهای عاطفی، روحی و جسمی در زندگی آینده مورد تاکید است می‌توان گفت دختران مذکور، در جستجوی رابطه‌های عاطفی صمیمانه و به زعم گیدنز، در جستجوی رابطه‌های ناب و اطمینان از حفظ رابطه ناب در آینده هستند. رابطه ناب رابطه‌ای است که فقط به دلیل نفس رابطه و آن چه رابطه برای هر دو طرف به ارمغان می‌آورد مورد جستجو است. رابطه ناب برخلاف پیوندهای شخصی یا خصوصی در جامعه سنتی، وابسته به عوامل برون از زندگی اجتماعی نیست و چنان می‌نماید که گویی در فضایی شناور است. در جوامع مدرن، الزام‌های بیرونی و از پیش ساخته که بر ازدواج حاکم بود در حال ریشه کن شدن است پدیده‌ای که در اصل همراه با ظهور عشق و علاقه‌های رمانتیک و تخیل آفرین به عنوان انگیزه اساسی ازدواج است، شکل گرفته است. بدین ترتیب، ازدواج بیش از پیش به

صورت رابطه‌ای درآمده است که دلیل پیدایش و ادامه آن احساس رضایت عاطفی است (گیدنز، ۱۳۸۵:۱۳۲).

۱۳-۴- اپیدمیک شدن؛ مصاحبه شونده‌ها معتقدند، روابط آزاد جنسی به طور اپیدمیک در حال گسترش است و این قضیه، به امری همه گیر تبدیل شده است. سیما می‌گوید:

«سکس داشتن اینقدر عادی شده، که وقتی به یه پسر میگی چرا ازدواج نمی‌کنی میگه چرا ازدواج کنم، وقتی نیازم برطرف میشه و بدون تعهد دارم جوونی ام رو می‌کنم، چرا خودمو پاگیر کنم.»

می‌توان گفت با گسترش این روابط در میان اقشار مختلف جامعه، احکام ارزشی که حاوی منع روابط آزاد جنسی است، قدرت هنجاری خود را نزد افراد از دست می‌دهد و این امر باعث می‌شود، افراد هنگام ارتکاب چنین اعمالی، خود را مقصر ندانسته و با قیاس با کسانی که درگیر چنین روابطی شده‌اند، خود را محق بدانند. مهناز می‌گوید:

«قبلا این روابط اصلا عادی نبود، حتی دخترا با همدیگه از رابطه‌هاشون حرف نمی‌زدن، حالا این مسائل نه تنها عادی شده بلکه، مصداق بافرهنگ بودن و با کلاس بودن. خب وقتی دور و بر آدم یه چیز عادی باشه راحت تره سراغش می‌ریم. می‌بینیم عیب نیست پس نه خجالت می‌کشی نه عذاب وجدان داری. دیگه از این نمی‌ترسیم که بهمون انگ بزنن و بگن فلانی دختر بدیه.»

گسترش چنین روابطی در جامعه و عادی تلقی کردن آن به عنوان بستری عمل می‌کند که افراد در آن، راحت تر، روابط آزاد جنسی را می‌پذیرند.

۱۴-۴- رابطه متعهدانه؛ مقوله فوق از ترکیب مفاهیم تک پر بودن، نفی چند پر بودن، چارچوب داشتن و ... به دست آمده است. یکی از نکات جالب به دست آمده از تحلیل داده‌ها این است که همه دختران مورد مطالعه، چه آن‌ها که صرفا به لذت بردن

از زندگی فکر کرده و با هدف لذت طلبی وارد روابط جنسی شده‌اند و چه کسانی که به خاطر عشق و تحت تاثیر علاقمندی، به برقراری رابطه جنسی با طرف مقابل راضی شده‌اند، معتقدند در هر زمان باید با یک نفر رابطه داشت. همه آن‌ها به نوعی چارچوب داشتن در رابطه اعتقاد داشته‌اند. در واقع، مساله تک پر بودن یا چندپر بودن (داشتن رابطه جنسی تنها با یک نفر یا داشتن بیش از یک جفت جنسی) در این جا مساله‌ای حائز اهمیت است. اخلاق دوستی حکم می‌کند که طرفین رابطه، خود را به شخص خاصی محدود کنند و با بیش از یک نفر رابطه نداشته باشند. ساناز می‌گوید:

«سه سال با هم بودیم تک پرش بودم، بخاطرش هر کاری کردم بهش خیانت نکردم. دوست ندارم هر کسی میاد و میره یه فیضی ببره و بره آدم باید ارزش خودش رو بدونه.»

سیما نیز اذعان می‌کند:

«وقتی که با هم دوست بودیم، تک پرش بودم، با هیچ کس دیگه‌ای نبودم ولی بعدا فهمیدم بوی فرندم خودش همزمان با چند نفر رابطه داره، خیلی بهم برخورد. من میگم طرف وقتی با من، فقط با من باشه، منو که گذاشت کنار بره با یکی دیگه، نه همزمان با صد نفر.»

پریسا نیز که به لذت بردن از زندگی اعتقاد دارد، از نوعی به قهقرا رفتن و عدم وجود چارچوب در روابط انسان‌ها سخن می‌گوید:

«من فکر نمی‌کنم که یه آدم اول و آخر دنیاس و می‌تونه همه نیازای آدم رو برآورده کنه و جز این نباید با کس دیگه‌ای باشم. اینجور بگم اصلا با این قضیه که یه نفر هزار بار رابطه جنسی داشته باشه مشکل ندارم، ولی نه این که دیگه هیچ حد و مرزی هم برای خودش قائل نباشه. حداقل اگه امروز با یه نفری با همون باش. وقتی که کات کردی برو با یکی دیگه نه اینکه همزمان با چن صد نفر.»

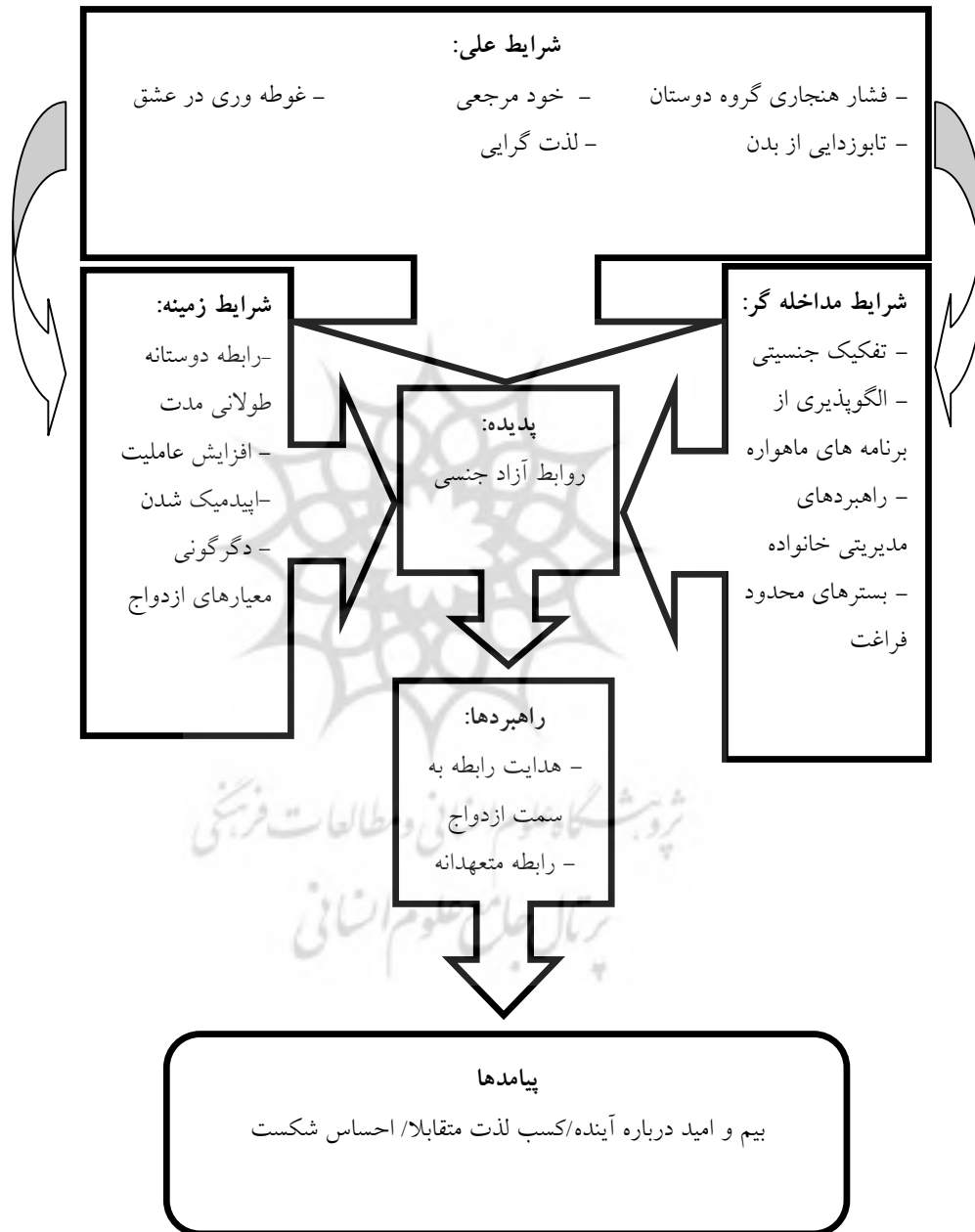
در واقع، یکی از استراتژی‌هایی که دختران در مواجهه با روابط آزاد جنسی به کار می‌برند، روابط متعهدانه و تک شریکی است. آن‌ها متقابلاً از طرف مقابل خود نیز انتظار دارند که به رابطه پایبند باشد و در صورت زیر پا گذاشتن این قاعده، به اتمام رابطه اقدام می‌کنند.

۱۵-۵- هدایت رابطه به سمت ازدواج؛ برخی از دختران مورد مطالعه، صرفاً به دلیل از دست دادن بکارت خود برای هدایت رابطه به سمت ازدواج تلاش کرده‌اند. در واقع، این افراد؛ نه تحت تاثیر پاداش‌های به دست آمده بلکه به دلیل سرمایه گذاری بالا در رابطه، برای هدایت شدن رابطه به سمت ازدواج تلاش کرده‌اند. فرشته می‌گوید:

«به همه گفته بودم ما به قصد ازدواج با هم دوستیم. به خاطر اینکه منو ول نکنه و دیگران منو سرزنش نکنن، براش چه کارهایی که نکردم...مهمترین سرمایه یه دختر بکارت دیگه..وقتی اونو از دست دادم برای اینکه رابطه مون به ازدواج برسه خیلی تلاش کردم با وجود اینکه از رابطه‌ای که باهاش داشتم ضجر می‌بردم ولی هر بار که اون می‌خواست به رابطه باهاش تن می‌دادم.»

برخی از افراد مورد مطالعه نیز، تحت تاثیر علاقمندی به طرف مقابل خود برای هدایت کردن رابطه به سمت ازدواج و دائمی کردن رابطه تلاش کرده‌اند.

شکل ۱- مدل پژوهش/نظریه زمینه‌ای درک روابط آزاد جنسی دختران به مثابه "بازاندیشی در تعاملات جنسی"





## ۵- بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مقولات عمده، می‌توان گفت مقوله «بازاندیشی در تعاملات جنسی» به مثابه مقوله هسته، مفهومی است که می‌تواند تمام مقولات را پوشش داده و نیز جنبه تحلیلی داشته باشد. درک روابط آزاد جنسی دختران به مثابه بازاندیشی در تعاملات جنسی، با تکیه بر درک و تفسیر دختران، در قالب یک مدل پارادایمیک شامل شرایط، پدیده، راهبردها و پیامدها ارائه شده است.

مدل فوق نشان می‌دهد که پیدایش روابط آزاد جنسی تحت تاثیر شرایط خاصی رخ می‌دهد. این شرایط در سه دسته طبقه بندی شده‌اند که عبارتند از؛ شرایط علی، شرایط مداخله‌گر و شرایط زمینه‌ای. شرایط علی عبارتند از: فشار هنجاری گروه دوستان، خودمرجعی، غوطه وری در عشق، نگرش لذت‌گرا و تاب‌زدایی از بدن. همچنین؛ تفکیک جنسیتی، الگوپذیری از برنامه‌های ماهواره، بسترهای محدود فراغت و راهبردهای مدیریتی خانواده، در قالب شرایط مداخله‌گر قرار گرفته‌اند. رابطه دوستانه طولانی مدت، افزایش عاملیت، اپیدمیک شدن و دگرگونی معیارهای ازدواج نیز جزء شرایط زمینه‌ای می‌باشند. شرایط مذکور باعث شده است که دختران به برقراری روابط آزاد جنسی دست بزنند. دخترانی که درگیر چنین روابطی شده‌اند دو نوع استراتژی؛ هدایت رابطه به سمت ازدواج و روابط متعهدانه را به کار برده‌اند. پیامدهای روابط آزاد جنسی برای افراد مورد مطالعه متفاوت بود؛ در واقع، از آن جایی که انگیزه‌ها و دلایل ورود افراد به روابط آزاد جنسی و معانی مرتبط با این عمل برای آنها یکسان نبوده است، ارزیابی آنها از پیامدهای رابطه نیز متفاوت است.

پیامد روابط آزاد جنسی برای کسانی که به دلیل لذت طلبی وارد این روابط شده‌اند، کسب لذت متقابل بوده است و کلا ارزیابی مثبتی نسبت به این گونه روابط داشتند. اما پیامدهای رابطه جنسی برای دخترانی که تحت تاثیر علاقمندی وارد روابط جنسی شده‌اند و برای هدایت کردن رابطه به سمت ازدواج تلاش کرده‌اند، به

دو صورت احساس شکست و بیم و امید درباره آینده جلوه‌گر شده است. آنان، در صورتی که رابطه‌شان به ازدواج ختم نشود احساس شکست خواهند کرد. همانطور که در چارچوب دیدگاه مبادله نیز گفته شد، افراد براساس پاداش‌های به دست آمده و هزینه‌های از دست رفته، یک رابطه را ارزیابی می‌کنند، این دسته از دختران نیز که به دلیل عشق به طرف مقابل خود و تحت تاثیر تصویر ایده آلی که از معشوق خود ساخته‌اند وارد رابطه جنسی شده‌اند، وقتی که طرف مقابل اقدام به ترک رابطه می‌کند و رابطه به ازدواج ختم نمی‌شود، خود را شکست خورده تلقی خواهند کرد. احساس بیم و امید درباره آینده نیز به این صورت رخ می‌دهد که با طولانی شدن رابطه، دختران امیدوار خواهند شد که رابطه آن‌ها به ازدواج ختم شود و بتوانند زندگی عاشقانه‌ای را پایه ریزی کنند. اما در کنار این احساس امید همواره ترس از برهم خوردن رابطه نیز وجود دارد. به زعم مصاحبه شونده‌ها، در این گونه روابط، اطمینانی وجود ندارد که رابطه تا یک لحظه بعد دوام داشته باشد یا نه.

مفهوم بازاندیشی به عنوان مقوله هسته، که جایگاه محوری در پژوهش حاضر دارد از گیدنز اقتباس شده است. گیدنز، فرآیند تعریف و با تعریف خود از طریق مشاهده و بازتاب اطلاعات روانشناختی و اجتماعی درباره مسیرهای ممکن زندگی را بازاندیشی می‌نامد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۶). گیدنز معتقد است، خصلت اساسی جهان مدرن و خصیصه فردی که در این جهان زندگی می‌کند، بازاندیشی در تمام عرصه‌های حیات اجتماعی و فردی است. بازاندیشی در مورد راه‌های پیموده شده کنش‌ها، دانش‌ها و در "خود" و در دیگر مقررات جهان اجتماعی، امری است که دنیای مدرن را از عصر پیشا مدرن متمایز می‌سازد. هر چند که در دوره پیشامدرن نیز بازاندیشی وجود داشته است اما در این جا، بازاندیشی تا اندازه زیادی محدود به بازتفسیر و توضیح سنت بوده است. اما در مدرنیته، بازاندیشی وارد مبنای بازتولید نظام شده است به گونه‌ای که اندیشه و کنش پیوسته در یکدیگر انعکاس می‌یابند. در پرتو بازاندیشی، عملکردهای

اجتماعی پیوسته بازسنجی می‌شوند و در پرتو اطلاعات تازه‌ای که انسان‌ها درباره خود کسب می‌کنند به اصلاح و دگرگونی در هویت خود می‌پردازند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۶).

براساس مقوله نهایی «بازاندیشی در تعاملات جنسی»، دختران مورد مطالعه در مورد روابط جنسی، به شیوه‌ای متفاوت از نسل‌های پیشین خود اندیشیده و عمل کرده‌اند. آن‌ها برخلاف ارزش‌ها و آموزه‌های اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی نسبت به رابطه آزاد جنسی عمل کرده و تلقی جدیدی از روابط جنسی داشتند. روابط آزاد جنسی که برای نسل گذشته، امر تابویی بود، اکنون توسط افراد مورد بازنگری قرار گرفته است و آن‌ها لزومی نمی‌بینند که کماکان در چارچوب سنت‌ها و به وسیله راهکارهایی که سنت ارائه داده است به ارزیابی این گونه روابط بپردازند. همانطور که گاگنون و سایمون نیز اظهار کردند، دستخط‌های فرهنگی و دستورات عمل‌های کلی جامعه در مورد مسائل جنسی، همیشه رفتار جنسی انسان‌ها را پیش‌بینی نمی‌کنند. اگرچه، در جامعه ایران روابط جنسی فقط در قالب زوجیت مشروع می‌باشد، اما افراد مورد مطالعه دستخط‌ها فرهنگی موجود را مورد بازنگری قرار داده‌اند و دستخط‌های جدیدی برای خود خلق کرده‌اند؛ براساس این دستخط‌های جدید، رابطه آزاد جنسی می‌تواند به عنوان راهی برای لذت بردن یا عشق ورزی در نظر گرفته شود.

براساس بازاندیشی صورت گرفته می‌توان دو سنخ از افراد را در این پژوهش تشخیص داد: دسته اول کسانی هستند که در مورد روابط بین دو جنس به بازاندیشی دست زده‌اند و رابطه جنسی را در صورتی صحیح می‌دانند که در بستر رابطه عاشقانه معطوف به ازدواج رخ دهد. از دیدگاه آنان، در صورتی که روابط جنسی، در بستر رابطه عاشقانه اتفاق بیفتد و طرفین از منتهی شدن رابطه به ازدواج مطمئن باشند رابطه مجاز است. کسانی که در این دسته قرار می‌گیرند، این نوع رابطه جنسی را مترادف رابطه آزاد تلقی نمی‌کنند. بلکه از دیدگاه آنان، وقتی می‌توان به رابطه‌ای برچسب آزاد بودن زد، که طرفین رابطه خوش بودن و بدون دوست داشتن و انگیزه ازدواج به این کار مبادرت کنند.

**دسته دوم** کسانی هستند که در مورد روابط بین دو جنس به بازاندیشی دست زده‌اند و موافق آزادی جنسی زنان بوده، اما رابطه جنسی در بستر رابطه دوستانه را تایید می‌کنند. هدف این دسته لذت طلبی صرف بوده و با انگیزه ازدواج به این امر اقدام نمی‌کنند. از دیدگاه آن‌ها، لازمه برقراری رابطه جنسی صرفاً وجود یک رابطه دوستانه ساده می‌باشد.

به طور کلی، همه افراد مورد مطالعه، در ارزش‌ها و قواعد و مقررات مربوط به روابط جنسی بازاندیشی کرده‌اند و ارزش‌های متفاوتی را جایگزین ارزش‌های سنتی معطوف به روابط بین دو جنس ساخته‌اند.

### پیشنهادات

با توجه به یافته‌های به دست آمده از تحلیل مصاحبه‌ها می‌توان در راستای کاهش روابط خارج از عرف پیشنهاداتی را مطرح کرد.

- گسترش دادن فضاهای فراغتی برای دختران؛ به زعم مصاحبه شونده‌ها یکی از عوامل ورود افراد به روابط غیرمتعارف، بسترهای فراغتی محدود است.
- به وجود آوردن فضاهای مناسب همسرگزینی؛ همانطور که ذکر شد معیارهای ازدواج نزد دختران مورد مطالعه تغییر کرده و آن‌ها هر چه بیشتر خواهان این هستند که با عشق ازدواج کنند و ساختارهای سنتی ازدواج را مانعی رای تحقق این امر می‌دانند.
- غنی سازی محتوای برنامه‌های رسانه‌های داخلی؛ ماهواره و رسانه‌های بیگانه تاثیر بسزایی در تغییر نگرش افراد جامعه دارند. همانطور که در یافته‌های تحقیق نیز مشاهده شد یکی از عوامل مداخله گر در برقراری روابط غیرمتعارف توسط دختران، الگوپذیری از برنامه‌های ماهواره بود و می‌توان با غنی سازی برنامه‌های رسانه‌های داخلی میزان استفاده و به تبع آن تاثیر پذیری افراد از رسانه‌های بیگانه را کاهش داد.

## منابع

- استراس، آنسلم؛ کوربین، جولیت. (۱۳۸۷)، *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه: بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۸۸)، رسانه و فرهنگ سازی، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، شماره ۲۰.
- ذکایی، محمدسعید. (۱۳۸۴)، *بررسی وضعیت انحرافات جوانان با تاکید بر روابط جنسی آزاد*. سازمان ملی جوانان.
- عباسی شوازی، محمدتقی (۱۳۸۴). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه‌های شیراز و علوم پزشکی شیراز). دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۸)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه: هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- کاستلز، امانوئل. (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ: قدرت هویت*، ترجمه: حسن چاوشیان و علی پایا، تهران: انتشارات طرح نو.
- کریمی، محمدعلی. (۱۳۸۲)، *بررسی وضعیت انحرافات جنسی جوانان*، چاپ سازمان ملی جوانان.
- کریمی، یوسف. (۱۳۸۴)، *روانشناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات ارسباران.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵)، *تجدد و تشخیص*، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- محمدپور، احمد؛ بلالی، اسماعیل؛ صادقی، رسول. (۱۳۸۸)، نابرابری اجتماعی در حوزه فراغت، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۳۹.

– مهریار، امیر هوشنگ؛ خلج آبادی فراهانی، فریده. (۱۳۸۹)، بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در شهر تهران، *فصلنامه خانواده پژوهی*، سال ششم، شماره ۲۰.

– وثوقی، منصور؛ میرزایی، حسین. (۱۳۸۷)، فرد گرایی: تاملی در ابعاد و شاخص‌ها، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۴.

- Abraham, L., & Kumar, K. A. (۱۹۹۹). Sexual experiences and their correlates among college students in Mumbai City, India. *International Family Planning Perspectives*, ۲۵ (۳), ۱۳۹-۱۵۲
- Alexander, M., Garda, L., Kanade, S., Jejeebhoy, S., & Ganatra, B. (۲۰۰۷). Correlates of premarital relationships among unmarried youth in Pune district, Maharashtra, India. *International Family Planning Perspectives*, ۳۳ (۴), ۱۵۰-۱۵۹
- Delamater, J. (۱۹۸۷). A sociological Perspective. In J.H., Gear & W.t. Donohue (Eds). *Theories of human sexuality*. (pp: ۲۳۷-۲۵۶). New York: Plenum
- Gagnon, J.H., & Simon, W.S. (۱۹۷۳). *Sexual Conduct: The Social Sources Of Human Sexuality*. Chicago: Adline
- Holtby, A. (۲۰۱۰). *Reconstructing Sex: Women Having Sex With Women*. Canada: University of Ottawa
- Longmore, M.A. (۱۹۹۸). Symbolic Interactionism And The Study Of Sexuality. *Journal of Sex Research*, ۳۵ (۱), ۴۴- ۵۷
- Simon, W., & Gagnon, J.H. (۱۹۸۶). Sexual Script: Permanence and Change. In K. Plummer (Ed), *sexualities (vol ۲). Critical Concepts In Sociology*. (pp: ۲۷۹-۳۰۱). London: Routledge.

آسیب‌شناسی روابط خارج از عرف ... ۲۳۵

- Simon, W., & Gagnon, J.H. (۱۹۹۹). sexual scripts. In R. Parker & p. aggleton (Eds), *culture, society and sexuality: A reader*. (pp:۲۹-۳۸) .London: University College London Press.
- Simon, w & Gagnon, J.H. (۲۰۰۳). Sexual Scripts: Origins, Influences and Changes. *Qualitative Sociology*, ۲۶ (۴), ۴۹۱-۴۹۷
- Sprecher, S. (۱۹۹۸) .Social Exchange Theories And Sexuality. *Journal of Sex Research*, ۳۵ (۱), ۳۲-۴۳
- Teachman, T. (۲۰۰۳). Premarital Sex, Premarital Cohabitation and the Risk Subsequent Marital Dissolution Among Women. *Journal of Marriage and Family*. ۶۵ (۲), ۴۴۴-۴۵۵





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی